

The Methodology of Answering the Belief Doubts

Received date: 2022.06.30

Accepted date: 2022.09.04

Reza Berenjkari *

Abstract

Recognizing doubts and answering them in the Qur'an and hadiths, as well as from the point of view of reason, is very important, and defense in the special sense of the word is referred to this work. For this reason, Islamic theologians have paid more attention to this part of the defensive aspect of theology and have written many books to refute the doubts of the opponents. But what is more important and has received less attention is the methodology of answering doubts. There is a large amount of religious texts available, in which one can carefully find the principles, rules and methods governing the answer space of the Qur'an and The Prophet's House to questions and doubts.

The purpose of answering the belief doubts are: preventing the weakening of the belief teachings of Islam; removing the obstacles to accepting the right belief from people's minds; expressing new dimensions of religious teachings; Designing new arguments and strengthening the speaker's mind and empowering him to answer similar doubts. In order to answer the doubt, the respondent must consider conditions, some of which include: recognizing of religious beliefs, expertise in the subject area in question, dominating the content of the doubt, mastery of response methods; to be skilled in debate and conversation.

Keywords: Methodology, Doubt, Beliefs, Quran, Reason.

*Professor at "Philosophy Department" of Farabi College of Tehran University.

E-mail: berenjkari@ut.ac.ir

فصلية علمية محكمة

مطالعات شبهه پژوهی

سنة الأول، صيف ١٤٤٤هـ

منهجية الردّ على الشبهات الاعتقادية

رضا برنجكار*

الملخص

إن معرفة الشبهات والردّ عليها من المنظور القرآني والحديثي وأيضًا من المنظور العقلي لها أهمية خاصة لا يمكن إنكارها وهي المقصودة بالدفاع الكلامي بمعناه الخاص. ولذلك أولى المتكلمون المسلمون اهتماماً أكثر بهذا الجانب من الدفاع الكلامي وألّفوا كتبًا كثيرة في دحض شبهات المخالفين والمعارضين. لكن الأهم الذي حظي اهتمامًا قليلًا هو منهجية الردّ على الشبهات. هناك كم كبير من النصوص الدينية المتاحة يمكن لنا من خلالها الحصول على المبادئ والقواعد والطرق السائدة على منهجية ردّ القرآن وأهل البيت عليهم السلام على الأسئلة والشبهات. من هذا المنطلق، قد سعى هذا البحث وراء استنباط وتقديم هذه المنهجية من المنظور القرآني والحديثي والمنظور العقلي. وذلك بعد أن قام ابتداءً بتبيين مفهوم الشبهة، وعلاقتها بالشك والسؤال، وغاية الردّ على الشبهات وفوائده، وشروط الردّ. الكلمات المفتاحية: المنهجية، الشبهة، العقائد، القرآن، العقل.

* أستاذ في قسم الفلسفة، كليات فارابي، جامعة طهران.

نشریه علمی

مطالعات شبهه‌پژوهی

سال اول، تابستان ۱۴۰۱، ش ۱

روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۹ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

رضا برنجکار*

چکیده

شناخت شبهات و پاسخ‌دهی به آنها در قرآن و احادیث و نیز از نگاه عقل‌دارای اهمیت ویژه و انکارناپذیر است و دفاع به معنای خاص کلمه به همین کار اطلاق می‌شود. به همین دلیل متکلمان اسلامی به این بخش از جنبه دفاعی علم کلام بیشتر توجه کرده‌اند و کتاب‌های بسیاری در رد شبهات مخالفان تألیف کرده‌اند. اما آنچه اهمیت بیشتری دارد و کمتر مورد توجه قرار گرفته است، روش‌شناسی پاسخ به شبهات است. حجم وسیعی از متون دینی در اختیار است که می‌توان با دقت در آنها به اصول، قواعد و روش‌های حاکم بر فضای پاسخ‌گویی قرآن و اهل بیت به سؤالات و شبهات دست یافت. تلاش این مقاله استنباط این روش‌ها از قرآن و احادیث و نیز عقل و ارائه آنهاست. قبل از پرداختن به این روش‌ها لازم است ابتدا مفهوم شبهه، ارتباط شبهه با شک و پرسش، هدف و فواید پاسخ به شبهات و شرایط پاسخ‌گویی مورد بحث قرار گیرد.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، شبهه، اعتقادات، قرآن، عقل.

مقدمه

شبهه از ریشه «شبه» بوده و در اصل به معنای تشابه و همانندی شیئی به شیء یا اشیای دیگر است. این تشابه می‌تواند در اوصاف یا در ذاتیات باشد و البته لازمه چنین تشابهی عدم تمییز بین اشیا و بروز اشکال در تشخیص آنها از یکدیگر است (ر.ک: ابن فارس، ۱۳۹۱، ص ۴۷۷/ ابن منظور، ۱۴۰۰، ج ۱۳، ص ۵۰۳/ الطریحی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۷۹).

در متون دینی شبهه معمولاً در مواردی استعمال شده که عدم تمییز و اشکال در تشخیص نسبت به حق و باطل صورت گرفته باشد. منشأ این مسئله در ارائه باطل است؛ به گونه‌ای که شبیه حق جلوه می‌کند. بخشی از سخن امیرالمؤمنین علیه السلام به روشنی به این مطلب اشاره دارد: «انما سمیت الشبهه شبهه لانها تشبیه الحق» (نهج البلاغه، خطبه ۳۸).

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان این تعریف را برای شبهه بیان کرد: «شبهه وارد کردن عبارت است از ارائه دلایل فاسد و توجیهاات نادرست به منظور حق جلوه‌دادن باطل و بالعکس». از این تعریف می‌توان به این نتیجه رسید که دو چیز از مقومات شبهه است: ۱. حق نبودن: اگر مطلب به گونه‌ای باشد که بطلان آن آشکار باشد، نمی‌توان آن را شبهه نامید؛ چراکه در این صورت تشابه و همانندی بین حق و باطل اتفاق نمی‌افتد و در نتیجه اشکال التباس و عدم تمییز پیش نمی‌آید.

۲. استدلال: اگر به ادعای صرف بسنده شود، نمی‌توان آن را شبهه نامید؛ زیرا بطلان ادعای بدون دلیل امری روشن و واضح است.

قیود دیگری نیز از سوی برخی ذکر شده است؛ از جمله مشکل بودن فهم آنچه موجب شبهه شده و نبودن دلیل قطعی و صریح برای مطلبی که به آن شبهه می‌شود و همچنین سوء نیت شبهه‌کننده (همان). اما این موارد در همه شبهات وجود ندارد؛ از این رو نمی‌توان آنها را جزو مقومات شبهه دانست.

الف) مفهوم‌شناسی شبیهه

۱. شک و شبیهه

شک و شبیهه گاهی به جای هم استعمال می‌شوند؛ در حالی که در لغت و اصطلاح متفاوت‌اند، هرچند میانشان ارتباط معنایی هم وجود دارد. معنای اصلی شک در لغت تداخل است: «شک: الشین و الکاف اصل واحد مشتق بعضه من بعض و هو يدل علی التداخل» (ابن فارس، ۱۳۹۱ق، ص ۵۰۲). همه لغت‌پژوهان آن را نقطه مقابل یقین دانسته و به حالتی در مقابل یقین معنا کرده‌اند (ر.ک: همان/ الفیومی، ۲۰۲۰م، «حرف شین»/ مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۶، ص ۱۰۵). در مورد وجه تسمیه حالت عدم یقین به شک ابن‌خالدس می‌نویسد: «در این حالت مثل آن است که دو چیز بر انسان داخل شده و او در میان آنها مردد بوده و یقین ندارد» (ابن فارس، ۱۳۹۱، ص ۵۰۲). بنابراین شک حالتی درونی و روانی است که بر انسان عارض می‌شود که همان عدم یقین است. اما همان‌طور که اشاره شد، شبیهه به معنای تشابه میان دو یا چند چیز است و به امور واقعی مربوط است؛ اگرچه لازمه آن، ایجاد حالت عدم تمیز در انسان است. شبیهه می‌تواند یکی از عوامل و اسباب شک باشد؛ یعنی شخص ممکن است در مواجهه با شبیهه به دلیل ناتوانی در دفع آن، دچار شک شود. از طرفی کسی که در مورد مسئله‌ای شک دارد، اگر به پردازش شک خود اقدام کند و به همراه استدلال، آن را ارائه کند، درواقع شک درونی خود را به صورت شبیهه اظهار کرده است.

نقطه افتراق دیگر بین شک و شبیهه آن است که بروز شک ممکن است غیر اختیاری باشد؛ اما شبیهه کردن امری اختیاری است و عبارت از ارائه استدلال‌های نادرست به منظور حق جلوه‌دادن باطل و بالعکس است.

در برخی روایات نیز این دو، قسیم هم قرار گرفته‌اند، در روایتی امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «بنی الکفر علی اربع دعائم: الفسق والغلو والشک والشبهه...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۹۳).

۲. مفهوم سؤال و تفاوت آن با شبهه

معنای لغوی سؤال، مطلق طلب و خواستن است (ابن فارس، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۱۲۴/ ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۲۷). اما در مباحث علمی به معنای طلب پاسخ در یک بحث علمی است.

سؤال و پرسش یکی از ابزارهای مهم در رشد علمی و فکری بشر است و پرسش‌گری، تلاشی سازنده برای سیر از نادانی و ناآگاهی به آگاهی و دانایی است. پرسش معمولاً برای رسیدن به شناخت و کشف حقیقت است؛ بنابراین پرسش‌گر سعی نمی‌کند با تزیین باطل یا آمیختن آن با حق، باطلی را حق جلوه دهد یا حقی را بیوشاند. هدف پرسش، ایجاد شک و تردید در مخاطب نیست؛ اما شبهه‌آفرینی تلاشی منفی و مخرب در جهت ایجاد شک و تردید در مخاطب و آشفتگی در باورهای دینی می‌باشد. در شبهه، باطل به طور عمدی و خواسته حضور دارد و شبهه‌گر با آمیختن حق و باطل می‌کوشد کلام باطل خود را با رنگ و لعابی از حق به دیگران منتقل کند. بنابراین روشن است که بین شبهه و پرسش تفاوت آشکاری وجود دارد و به همین دلیل است که در اسلام از پرسش استقبال شده و همگان به پرسش‌گری دعوت شده‌اند. از جمله در آیه‌ای که دو بار در قرآن تکرار شده، به این مهم اشاره شده است: «فسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون» (نحل: ۴۳/ انبیاء: ۷). در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز این مطلب به‌وفور دیده می‌شود (برای نمونه، ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۰-۴۱/ نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۹/ حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۱/ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۴ و...). تا جایی که امام صادق علیه‌السلام یکی از عوامل هلاکت مردم را عدم پرسشگری آنان معرفی می‌نماید: «انما یهلك الناس لانهم لا یسألون» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۰، ح ۲). در مقابل از شبهه‌گری و فروافتادن در شبهات نهی شده است (ر.ک: آل عمران: ۷/ نهج‌البلاغه، نامه ۳۱ و نامه ۶۵).

موضوع این بحث و روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی است؛ اما بسیاری از این روش‌ها و مثال‌هایی که زده می‌شود، در پاسخ به پرسش‌های اعتقادی نیز کاربرد دارد.

ب) هدف و فواید پاسخ به شبهات

هدف اصلی از پاسخ به شبهات اعتقادی، جلوگیری از تزلزل آموزه‌های اعتقادی اسلام و محافظت از این عقاید و برطرف کردن موانع پذیرش عقاید درست از اذهان مردم است. گذشته از این هدف، فوایدی نیز برای پاسخ‌گویی به شبهات می‌توان برشمرد؛ از جمله اینکه در مقام پاسخ‌گویی به شبهه‌ای که نسبت به آموزه دینی وارد شده، ابعاد جدیدی از آن آموزه برای مردم بیان می‌شود و فهم مخاطبان نسبت به اعتقاد مورد بحث بیشتر می‌شود. همچنین متکلم در ضمن پاسخ‌گویی ممکن است استدلال‌های جدیدی در موضوع بحث بیابد. همان طور که چنین اتفاقی در پاسخ به شبهه این‌گونه در تاریخ کلام رخ داده است.

یکی از فواید پاسخ‌گویی به شبهات این است که ممکن است در ضمن این کار متکلم و نیز مردم به برخی آموزه‌های اعتقادی که قبلاً توجه نداشتند، توجه کنند و مباحث جدیدی در علم کلام مطرح شود. همچنین از فواید پاسخ به شبهات، تقویت ذهنی متکلم و توانمندشدن برای پاسخ به شبهات مشابه است.

ج) شرایط پاسخ به شبهه

۱. شرایط پاسخ به شبهه با توجه به پاسخ‌گو

۱) شناخت عقاید دینی: اولین شرط برای پاسخ به شبهات اعتقادی، شناخت کامل پاسخ‌گو نسبت به عقاید دینی است. شناخت عمیق اعتقادات دینی از تزلزل و آشفتگی عقاید و افکار متکلم در مواجهه با انبوه شبهات جلوگیری می‌کند. متکلم ممکن است با شبهات پیچیده‌ای برخورد کند که اگر از معرفت عمیق دینی برخوردار نباشد، احتمال لغزش خودش نیز وجود دارد. امام صادق علیه السلام در یکی از سخنان گهربارشان به این مسئله توجه داده‌اند:

«لا خیر فیمن لایتفقہ من اصحابنا ان الرجل منهم اذا لم یستغن بفقہه احتاج الیهم فاذا احتاج

الیهم، أَدْخُلُوهُ فِي بَابِ ضَلَالَتِهِمْ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ: هر کسی از اصحاب ما که از نظر فهم عمیق دینی بی‌نیاز نباشد، به دیگران نیاز پیدا می‌کند و وقتی به آنها نیازمند شد، او را در گمراهی خویش وارد می‌کنند، در حالی که خودش بی‌خبر است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۳، ح ۶).
از سوی دیگر شناخت اعتقاد دینی باعث می‌شود پاسخ‌گو در عین ارائه پاسخ به شبهه در یک موضوع، هماهنگی پاسخ خود با دیگر گزاره‌های اعتقادی را در نظر داشته باشد تا پاسخ ارائه‌شده با دیگر معارف دینی دچار تعارض و اختلاف نباشد و خدشه‌ای به دیگر اصول و مبانی وارد نسازد.

۲) تخصص در حیطه موضوع مورد شبهه: متکلم غیر از آشنایی با مجموعه عقاید دینی، باید در موضوعی که در آن شبهه مطرح شده، متخصص باشد. برخی روایات موجود در منابع حدیثی به وضوح اهتمام ائمه علیهم‌السلام به تخصص‌گرایی در پاسخ به شبهات را نشان می‌دهد (ر.ک: همان، ص ۱۷۱، ح ۴ / مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲، ص ۱۹۴ / کشی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۵۴).
۳) تسلط بر محتوای شبهه: فهم صحیح شبهه مقدمه پاسخ صحیح است. فهم شبهه نیازمند فهم واژه‌ها و اصطلاحات، موضوع شبهه، پیش‌فرض‌ها و مبانی شبهه، نوع استدلالی که در شبهه به کار رفته است و نیز مسائل مرتبط با شبهه است. شناخت پیشینه و فضای شبهه و نیز آثار شبهه در درک شبهه مؤثر می‌باشد.

۴) تسلط بر روش‌های پاسخ‌گویی: روش‌های پاسخ به شبهات اعتقادی متفاوت و متعدد است و با توجه به نوع شبهه، شرایط مخاطب، فضای شبهه و... روش‌های گوناگونی به کار گرفته می‌شود. متکلم باید به تمام این روش‌ها مسلط باشد تا با توجه به شرایط، روش مناسب را اتخاذ کند. در ادامه به برخی از این روش‌ها اشاره خواهد شد.

۵) داشتن مهارت مناظره و گفت‌وگو: یکی از شرایط پاسخ به شبهات اعتقادی تسلط بر فنون مناظره و مهارت در آن است. این مهارت پاسخ‌گو را قادر می‌سازد از بهترین روش‌های مناظره استفاده کرده و با رعایت آداب مناظره بر طرف مقابل غلبه کند. یکی از دلایلی که

موجب می‌شد امام صادق علیه السلام برخی از اصحاب را از گفت‌وگو با مخالفان منع کنند و برخی را به این کار تشویق نمایند، همین موضوع بوده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴/مفید، ۱۴۱۳ق، ب، ص ۷۱).

۲. شرایط پاسخ به شبهه با توجه به مخاطب

(۱) مراعات سطح مخاطب: یکی از مهم‌ترین شرایط شبهه، آگاهی از شرایط مخاطب از لحاظ سطح علمی، شرایط روحی و روانی و شرایط فرهنگی و اجتماعی و توجه به این مطلب در مقام پاسخ‌گویی است. ممکن است یک پاسخ در یک زمان و برای افرادی سبب برطرف شدن شبهه و اصلاح اندیشه آنها شود و همان پاسخ در جای دیگر و برای افراد دیگر، اثری در دفع شبهه نداشته باشد. پاسخ‌گو باید به گونه‌ای به شبهه پاسخ دهد که سخنش نه فراتر از سطح فهم مخاطب باشد که در این صورت کلامش نامفهوم خواهد بود و به جای دفع شبهه، به تثبیت آن منجر خواهد شد و نه فراتر از حد فهم مخاطب که در این صورت، سخنش سبک و ضعیف قلمداد می‌شود و اثر شبهه‌زایی خود را از دست می‌دهد. سیره و روش اهل بیت علیهم السلام نیز توجه به سطح و ظرفیت مخاطب در مقام آموزش و پاسخ‌گویی مورد دقت بوده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۳/شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۳۶۳/مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۴ و ج ۵، ص ۵۷ و ج ۶، ص ۳۲۰ و...).

(۲) احترام به مخاطب: هدف از پاسخ به شبهه، دفاع از دین و ایجاد اصلاح در مخاطب است؛ بنابراین برای تحقق این هدف لازم است پاسخ‌گو احترام مخاطبان خود را رعایت کند. احترام به مخاطب غالباً زمینه ایجاد ارتباط عاطفی و روانی را فراهم می‌کند و این ارتباط اثر زیادی در همراهی و پذیرش و استدلال‌های پاسخ‌گو دارد. در مقابل بی‌احترامی، حس لجبازی و مقابله غیر منطقی را در مخاطب ایجاد می‌کند و روند پاسخ‌گویی را با مشکل مواجه می‌سازد. اهل بیت علیهم السلام در مقام پاسخ‌گویی با احترام با مخاطبان خود برخورد می‌کردند، حتی

اگر آنان کافر یا مشرک بودند. شواهد این مطلب در منابع روایی فراوان است؛ نمونه آن برخورد محترمانه امام صادق علیه السلام با زندیقی از مصر بود که حضرت در قسمتی از گفت‌وگوی خود، او را با تعبیر «یا اِخا اهل مصر» خطاب فرمودند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۷۳).

۳) پرهیز از اهانت به مقدسات طرف مقابل: در مسیر پاسخ به شبهه باید از ایجاد هر گونه حس دشمنی و کینه خودداری کرد. همچنین از عوامل ایجاد این حس، توهین به مقدسات طرف مقابل است. در قرآن کریم به صراحت از این مسئله نهی شده است: «وَلَا تَسِبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسِبُّوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸).

برای کسی که می‌خواهد با منطق و استدلال به شبهات پاسخ دهد، لازم است در یک فضای منطقی و علمی این کار را انجام دهد، و گرنه با حاکم شدن فضای دشمنی، دلیل و منطق راه به جایی نخواهد برد و پاسخ‌گو به هدف خود نخواهد رسید.

۳. شرایط پاسخ به شبهه با توجه به زمان و مکان

مسئله شبهه در یک زمان و مکان خاص مطرح می‌شود و نمی‌توان آن را در خلأ تصور کرد. در این صورت طبیعی است باید شرایط زمان و مکان در نظر گرفته شود. گاهی رویکرد جامعه عقل‌گرایانه است و شبهه نیز بر اساس همین وضعیت برای اولین بار طرح می‌شود یا اگر هم سابقه دارد، با تقریر جدیدی با توجه به این رویکرد مطرح می‌شود. طبیعی است پاسخ به این شبهه در این زمان و مکان خاص با تکیه بر روش نقلی اثرگذار نخواهد بود. یا جامعه‌ای که رویکرد غالب آن تجربه‌گرایی است، مسلماً تقریر شبهه با توجه به همین رویکرد صورت گرفته است؛ پس پاسخ به این شبهه بدون در نظر گرفتن این رویکرد نتیجه‌بخش نخواهد بود.

۴. شرایط پاسخ به شبهه با توجه به موضوع

روشن است هر شبهه‌ای درباره موضوعی مطرح می‌شود. پاسخ به شبهه بدون در نظر گرفتن موضوع و اجزا و شرایط آن، امکان‌پذیر نیست؛ همچنین برخی موضوعات به گونه‌ای است

که خود متوقف بر یک سلسله مبانی و مقدمات است که در پاسخ به شبهه بدون در نظر گرفتن این مبانی و نقد آن، کاری بس دشوار است؛ از سوی دیگر برخی موضوعات روش اثبات یا نقدشان عقلی است؛ بنابراین بدون در نظر گرفتن چگونگی موضوع و روش بحث آن، پاسخ به شبهه عقیم خواهد ماند.

د) روش‌های پاسخ به شبهه

در بحث روش‌های پاسخ به شبهه، بیشتر به انواع پاسخ‌گویی از لحاظ شکل پاسخ‌گویی پرداخته خواهد شد و بر برخی از این روش‌ها را که از اهمیت بیشتری برخوردارند، تأکید بیشتری خواهد شد؛ بنابراین انواع پاسخ‌گویی از لحاظ ماده و محتوا یعنی استفاده از محتوای عقل نظری و عقل عملی و قرآن و احادیث و فطریات ذکر نمی‌شود و به آنچه در بحث اثبات در این زمینه بیان شد، اکتفا می‌گردد.

۱. پاسخ به شبهه بر اساس مبانی شبهه‌کننده یا نقاط مشترک

هر گونه گفت‌وگو و تبادل اندیشه‌ای و از جمله پاسخ و دفع یک شبهه کلامی باید بر اساس مبنا یا محور و نقطه‌ای مشترک و مورد قبول طرفین آغاز شود؛ به تعبیر دیگر متکلم باید نقطه شروع پاسخ خود را اعتقادی قرار دهد که شبهه‌کننده نیز بدان معتقد بوده و نیازی به بحث درباره آن وجود نداشته باشد. این مبنا یا مشترک، بسته به موضوع مورد شبهه، متفاوت خواهد بود؛ گرچه معمولاً قضایای بدیهی و وجدانی، نقطه آغاز مناسبی برای پاسخ به شبهه‌اند. روش قرآن کریم نیز این گونه است و هنگام شروع گفت‌وگو بر مبانی مورد قبول تأکید شده است؛ از جمله خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم: بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم» (آل عمران: ۶۴). در آیه‌ای دیگر ضمن توصیه بر جدال احسن، اشاره شده است که گفت‌وگو باید از نقطه

مشترک آغاز شود و این مسئله یکی از ویژگی‌های جدال احسن مورد تأکید قرآن است:

ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا الذين ظلمو منهم و قولوا آمنا بالذي انزل الينا و انزل اليكم و الهنا و الهكم واحد و نحن له مسلمون: و با اهل کتاب، جز به [شيوه‌ای] که بهتر است، مجادله مکنید- مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند- و بگوئید به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آورديم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویمیم (عنکبوت: ۴۶).

در آیاتی دیگر از قرآن کریم ملاحظه می‌شود که در مواجهه با شبهه، پاسخ عملاً از یک محور مشترک آغاز می‌شود یا قرآن قضیه‌ای را مطرح می‌سازد تا زمینه مشترک فکری برای گفت‌وگو ایجاد شود؛ از جمله در آیه شریفه سوره بقره که می‌فرماید: «و اذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالو بل نتبع ما الفينا عليه آباءنا أولو كان آباؤهم لايقلون شيئاً و لايهتدون: و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید؛ می‌گویند نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم، آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند، باز هم درخور پیروی‌اند» (بقره: ۱۷۰). در اینجا باورهای این افراد با اعتقادات فرد مسلمان هیچ‌گونه همخوانی ندارد؛ بنابراین قرآن یک سخن منطقی و زمینه مشترک فکری را مطرح می‌سازد؛ مانند اینکه «مجانین مورد تبعیت قرار نمی‌گیرند» یا «تبعیت از منشأ هدایت و خیر معقول است» (برای ملاحظه آیات دیگر، ر.ک، انعام: ۷۵-۷۸ / زخرف: ۲۳-۲۴).

۲. پاسخ به شبهه با روش تبیین واژه‌ها

گاهی شبهه ناشی از جهل به معنای حقیقی یک واژه است. در این گونه موارد، روش پاسخ به شبهه باید متمرکز بر تبیین آن واژه باشد. در واقع در چنین مواردی بیان معنای واژه، خود پاسخ به شبهه خواهد بود. این روش در پاسخ امام صادق علیه السلام به شبهه یک زندیق کاملاً مشهود است و او از امام صادق علیه السلام پرسید: مگر شما نمی‌گویید خداوند فرمود: «ادعونی استجب لکم» (غافر: ۶۰)؛ در حالی که می‌بینیم انسان در مانده‌ای خداوند را می‌خواند و جوابی به او داده

نمی‌شود و ستم‌دیده‌ای خدا را به یاری می‌طلبید، ولی خداوند او را یاری نمی‌کند؟ حضرت معنای اجابت را بیان فرمود و گفت: اگر کسی حق به جانب او باشد و از خدا چیزی را بخواهد، خدا او را اجابت می‌کند و به او جواب می‌دهد؛ اما جواب‌دادن به این معنا نیست که همان دعایش را برآورده سازد، بلکه ممکن است بلایی را از او دفع کند یا پاداشی فراوان به او دهد: «قال: الست تقول: يقول الله تعالى: ادعوني استجب لكم و قد نرى المضطر يدعوه فلا يجاب له، والمظلوم يستنصره على عدوه فلا ينصره؟ قال: ويحك ما يدعوه أحد الا استجاب له، اما الظالم فدعاؤه مردود الى أن يتوب اليه، و أما المحق فانه اذا دعاه استجاب له، و صرف عنه البلاء من حيث لا يعلمه...» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۲۸)؛ زیرا گاه برآورده شدن همان حاجت مصلحت نیست، اما خداوند پاسخی مناسب به او خواهد داد (برای دیدن نمونه‌های دیگری از این روش در روایات، ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۱۷ / شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ص ۸۵ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۵).

۳. پاسخ به شبهه با روش طرح سؤال

یکی از روش‌ها و فنون مهم و تأثیرگذار در پاسخ به شبهه استفاده از روش طرح سؤال است. در این روش پاسخ‌گو به جای تبیین مسئله و استدلال، با طرح یک یا چند سؤال خود را در جایگاه پرسش‌گر قرار می‌دهد و از موضع دفاعی به موضع تهاجمی و فعال تغییر جهت می‌دهد و ابتکار عمل را به دست گرفته، به این طریق شبهه را دفع می‌کند. استفاده از ساختار پرسشی در واقع القای مطلب به صورت غیر مستقیم است که تأثیر فوق‌العاده‌ای در درک و دریافت مخاطب دارد. وقتی مطلبی به صورت قطعی از سوی گوینده مطرح شود، ذهن مخاطب در ابتدا در برابر آن مقاومت و موضع‌گیری از خود بروز می‌دهد و با آن، مانند یک فکر بیگانه برخورد می‌کند؛ اما هنگامی که همین مطلب در قالب سؤال مطرح می‌شود و پاسخ آن از کفه وجدان و قلب مخاطب طلب می‌شود، مخاطب مطلب را به مثابه محصول اندیشه و تشخیص

خود می‌نگرد و با انعطاف و همراهی بیشتر با آن برخورد می‌کند. این روش در قرآن کریم در موارد متعددی به کار گرفته شده است؛ از جمله در سوره صفات حضرت ابراهیم علیه السلام در مواجهه با مشرکان از روش سؤال استفاده می‌کند: «قال اتعبدون ما تحتون: آیا آنچه را می‌تراشید، می‌پرستید» (صفات: ۹۵). یا در همین سوره خداوند خطاب به حضرت یونس می‌فرماید: «فاستفتهم الریک البنات و لهم البنون ام خلقنا الملائكة انا و هم شاهدون: پس، از مشرکان جو یا شو آیا پروردگارت را دختران و آنان را پسران است یا فرشتگان را مادینه آفریدیم و آنان شاهد بودند» (صفات: ۱۴۹-۱۵۰).

اهل بیت علیهم السلام نیز از این روش در پاسخ به شبهات استفاده می‌کردند؛ از جمله امام علی علیه السلام در پاسخ به اسقف مسیحی که از ایشان پرسید: شما می‌گویید گستره بهشت به اندازه آسمان‌ها و زمین است، پس جهنم کجاست، حضرت با به کارگیری ساختار پرسشی شبهه، به او پاسخ دادند و فرمودند: «اذا جاء الليل این یكون النهار؟» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۵۸). نمونه دیگر مواجهه حضرت زهرا علیها السلام با ابوبکر است که در پاسخ به شبهه او مبنی بر ارث‌نبردن آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله، از ساختار پرسشی استفاده کرده و فرمودند: «أفی کتاب الله ترث أباک و لا أرت أبی؟» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۸). نمونه دیگر مناظره طولانی هشام بن حکم با عمرو بن عبید است که محور اساسی آن استفاده از همین روش است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۳).

۴. پاسخ به شبهه با روش پاسخ نقضی

یکی از روش‌های پاسخ به شبهات اعتقادی، استفاده از پاسخ نقضی است. پاسخ نقضی آن است که مبتنی بر استدلال شبهه‌کننده، مورد نقضی ارائه شود که بتواند ساختمان استدلال وی را فرو بریزد. مورد تقض باید از امور یقینی یا از معتقدات شبهه‌کننده باشد تا بتواند او را بر سر دو راهی قرار دهد. چون شبهه‌گر نمی‌تواند در برابر امور یقینی شبهه کند یا از معتقدات قبلی خود دست بکشد، به ناچار از استدلال خود صرف نظر می‌کند. نکته مهم این است که در

مسیر پاسخ به شبهه، ارائه پاسخ‌های نقضی باید مقدم بر پاسخ‌های حلی باشد. دلیل آن، این است که با پاسخ نقضی استدلال شبهه‌گر در هم می‌شکند و به دنبال آن، زمینه مناسب برای ارائه جواب‌های حلی آماده می‌شود. اهل بیت علیهم‌السلام در موارد متعددی از این روش در مواجهه با مخالفان و شبهه‌کنندگان استفاده کرده‌اند؛ برای نمونه می‌توان از مناظره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مسیحیان نجران نام برد (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۴). آنان پس از شنیدن سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مبنی بر اینکه حضرت عیسی علیه‌السلام بنده خداوند بود که مثل انسان‌های عادی می‌خورد و می‌نوشید، گفتند: اگر بنده خدا بود، پس پدرش که بود؟ در این موقع فرشته وحی نازل گردید و به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفت که به آنان بگو: «ان مثل عیسی عنده الله کمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون» (آل عمران: ۵۹)؛ یعنی ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت یا فرزند خدا بودن نیست. اگر این سخن درست باشد که هر کس بدون پدر متولد شود، خدا پدر اوست، پس آدم هم بدون پدر متولد شد و باید فرزند خدا باشد؛ در حالی که مسیحیان چنین اعتقادی ندارند. در این مناظره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با پاسخ نقضی استدلال آنان را در هم فرو ریخت (برای دیدن نمونه‌های دیگر، ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۱/مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۵۵).

۵. پاسخ به شبهه با روش پاسخ حلی

آنچه در واقع جواب شبهه است و شبهه را از میان بر می‌دارد، پاسخ حلی است که با ارائه دلیل و برهان صورت می‌گیرد؛ همچنان که در روش قبلی اشاره شد، پاسخ نقضی استدلال شبهه‌گر را تخریب می‌کند و زمینه را برای ارائه پاسخ حلی آماده می‌کند. البته پاسخ‌گو باید با شناخت موقعیت، جایگاه استفاده از پاسخ‌های نقضی و حلی را تشخیص دهد و حتی ممکن است در جایی نیازی به پاسخ نقضی نباشد یا در جایی به صرف ارائه پاسخ نقضی، شبهه برطرف شود. بسیاری از پاسخ‌های اهل بیت علیهم‌السلام به شبهات با جواب‌های حلی انجام شده است؛ برای نمونه می‌توان پاسخ امام رضا علیه‌السلام به شبهه‌ای در مورد عصمت حضرت ابراهیم علیه‌السلام اشاره کرد. وقتی

مأمون پرسید آیا عصمت حضرت ابراهیم علیه السلام با گفتن «هَذَا رَبِّي» به ستاره و ماه و خورشید سازگار است؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «هَذَا رَبِّي» استفهام انکاری و استخباری است و به عنوان مقدمه بررسی و رد پروردگاردانستن اجرام آسمانی است، نه بیانگر اعتقاد واقعی حضرت ابراهیم علیه السلام (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۷۵، ح ۲۸).

۶. پاسخ به شبهه با طرح احتمال

برخی از شبهاتی که مطرح می‌شود، به این دلیل است که شبهه‌کننده صرفاً به یک جنبه از مسئله نگاه می‌کند و با یک احتمال خود را مواجه می‌بیند و از توجه به جنبه‌ها و احتمالات دیگر غافل است؛ در حالی که مطلب به گونه‌ای است که احتمالات دیگری قابل طرح است و مطرح ساختن آنها باعث می‌شود نتیجه مورد نظر شبهه‌گر محقق نشود. در این گونه موارد روش پاسخ به شبهه، طرح احتمالاتی است که بر اساس آن، استدلال شبهه‌کننده مخدوش و مردود می‌گردد. این روش به‌خصوص در جایی که شبهه‌گر تلاش می‌کند با طرح سریع مقدمات به نتیجه دست یابد و ادعای خود را مطرح سازد، از ارزش و کارایی بالایی برخوردار است. طرح احتمالات گوناگون و ایجاد صورت‌های مختلف برای ادعاهای شبهه‌گر او را به حالت انفعال می‌کشاند و زمینه غلبه بر او را فراهم می‌سازد؛ برای نمونه می‌توان به مناظره امام علی علیه السلام با یهودیان اشاره کرد که حضرت با طرح احتمالات گوناگون، موجبات تفرق آرا در میان آنها را فراهم و در ادامه حقانیت سخن خود و بطلان سخن آنان را آشکار می‌سازد (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۷۴، ص ۲۶). نمونه دیگر تعلیم امام حسن عسکری علیه السلام به یکی از شاگردانشان، اسحاق کندی است که حضرت به او یاد می‌دهد چگونه با طرح یک احتمال (احتمال دارد منظور قرآن غیر از آن چیزی باشد که تو گمان می‌کنی) در پیش استادش، او را به تأمل بیشتر و رهاکردن ادعای وجود تناقض در قرآن واداشت و به این طریق او را از نوشتن کتابی که در این زمینه آغاز کرده بود، باز دارد (ر.ک: ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۲۵).

۷. پاسخ به شبهه با محسوس سازی معقولات

پاسخ به شبهه، فرایندی دوسویه دارد که بر اساس تعامل و تبادل بین پاسخ گو و شبهه کننده صورت می گیرد. پاسخ گو باید بهترین روش ها و ابزارها را برای تأثیر بیشتر و ثمربخش بودن فعالیت خود اتخاذ کند؛ از این رو لازم است از تمامی امکانات برای فرایند شبهه زدایی استفاده کند. یکی از این ابزارها تصویرپردازی و به تعبیر دیگر محسوس کردن مطالب عقلی و نظری و ارائه تصویری روشن از مسئله است. برخی مطالب عقلی اگر صرفاً در قالب نظری و از طریق استدلال مطرح شود، برای بسیاری از افراد قابل درک و فهم نخواهد بود. در این گونه موارد، تصویرسازی و محسوس سازی بهترین روش برای تسهیل فرایند تفهیم و دفع شبهه از ذهن مخاطب است. در قرآن و روایات از این شیوه به صورت گسترده، برای انتقال پیام، تبیین معارف و پاسخ به شبهات استفاده شده است؛ برای نمونه می توان به روش امام علی علیه السلام در پاسخ به شبهه دانشمند یهودی اشاره کرد. وقتی دانشمند یهودی بحث را به مسائل عقلی می کشاند و از «وجه رب» سؤال می کند، «وجه رب تو کجا قرار دارد؟»، حضرت برای تفهیم مطلب از ابن عباس می خواهد هیزمی فراهم کرده، آتشی برافروزد. پس از شعله ور شدن آتش، از او سؤال می کند: «ای یهودی روی این آتش کجاست؟» یهودی جواب می دهد: «برای آن رویی نمی بینم». در این هنگام امام علیه السلام می فرماید: «همانا پروردگار من به آتشی ماند که شرق و غرب برای اوست و هر جا نظر کنی روی او را می بینی». «قال [اليهودی]: فأین یکون وجه ربک؟ فقال علی بن ابی طالب علیه السلام لی: یا ابن عباس ائتنی بنار و حطب، فأئتیه بنار و حطب فأضرمها، ثم قال: یا یهودی این یکون وجه هذه النار؟ قال: لا أقف لها علی وجهه. قال: فان ریی عز و جل عن هذا المثل و له المشرق و المغرب فأینما تولوا فثم وجه الله» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۵۹۷). اگر قرار بود این مطلب در قالب بحث نظری و با استدلال عقلی ارائه شود، اولاً وقت زیادی می برد؛ ثانیاً معلوم هم نبود مخاطب می فهمید یا نه. امیرالمؤمنین علیه السلام با استفاده از روش محسوس سازی معقولات، تصویری روشن از وجه رب، ارائه و او را متقاعد نمود.

۸. پاسخ به شبهه با روش اقرار گرفتن

پاسخ‌دهنده به شبهه باید در مقام پاسخ‌گویی، همه جوانب را در نظر گرفته، نسبت به شرایط، روش مناسب را اتخاذ کند. گاهی شبهه‌کننده کسی است که احتمال گریز و طفره رفتن او از مطالب حق وجود دارد یا از کسانی است که می‌توانند به صورت ماهرانه، عقاید باطل خود را توجیه کنند. در چنین مواقعی یکی از روش‌های مناسب برای مواجهه و دفع شبهه اقرار و اعتراف گرفتن از طرف مقابل است، این اقرار گرفتن در ابتدا باید از مبانی مورد قبول شبهه‌کننده باشد. فایده این کار آن است که باعث می‌شود بحث از اصول و پایه‌های مشترک و مورد اعتراف طرف مقابل شروع شود. در ادامه می‌توان با استدلال‌های مناسب با اقرارهای شبهه‌کننده، او را در مقابل اعتراف‌های خود قرار داد و به بن‌بست کشاند. نمونه‌های این روش در قرآن و روایات بسیار است؛ از جمله در سوره مؤمنون خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید در مواجهه با منکران قیامت و روز رستاخیز از آنان درباره برخی مسائل اقرار بگیرد: «قالوا انذا متنا و کنا تراباً و عظاماً ائنا لمبعوثون لقد وعدنا نحن و آباؤنا هذا من قبل ان هذا الا اساطیر الاولین قل لمن الارض و من فیها ان کنتم تعلمون سیقولون لله قل أفلا تذکرون قل من رب السماوات السبع و رب العرش العظیم سیقولون لله قل أفلا تتقون قل من بیده ملکوت کل شیء و هو یحیر و لایجار علیه ان کنتم تعلمون سیقولون لله قل فانی تسحرون» (مؤمنون: ۸۲-۸۹). نمونه دیگر از این روش، مناظره امام رضا ﷺ با جاثلیق است (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۴۱-۱۴۵). از جمله در یک مورد بدون آنکه جاثلیق متوجه شود، امام ﷺ با قصد اقرار گرفتن به جاثلیق فرمود:

ای نصرانی، به خدا سوگند ما ایمان به آن عیسی ﷺ داریم که ایمان به محمد ﷺ داشت؛ ولی تنها ایرادی که به پیامبر شما داریم، این بود که او کم روزه می‌گرفت و کم نماز می‌خواند، جاثلیق متحیر شد و گفت: «به خدا سوگند علم خود را باطل کردی و پایه کار خویش را ضعیف نمودی، من گمان می‌کردم تو داناترین مسلمان هستی». امام ﷺ فرمود: «مگر چه شده؟» جاثلیق گفت: «به خاطر اینکه می‌گویی عیسی ﷺ کم روزه و کم نماز بود؛ در حالی که عیسی ﷺ حتی

یک روز را افطار نکرد و هیچ شئی را به طور کامل نخوابید و همیشه صائم الدهر و قائم اللیل بود.» امام علیه السلام از این اقرار استفاده فرمود و بیان داشت: «برای چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟ جائلیق نتوانست پاسخ بگوید و ساکت شد (ر.ک: همان، ص ۱۴۳).

۹. پاسخ به شبهه با نقد و رد مبنای شبهه

در مواجهه با هر شبهه‌ای ابتدا باید مبانی و پیش فرض‌های آن را شناسایی کرد. اگر شبهه بر ریشه و مبنای سستی بنا شده باشد، اولین قدم حمله به پایه‌ها و مبنای شبهه است. با ریختن پایه‌های یک شبهه، کل بنای شبهه فرو خواهد ریخت. برای رد مبنای شبهه می‌توان از روش‌های مختلف دفع شبهه استفاده کرد؛ برای نمونه قرآن شبهه برخی انسان‌ها درباره وقوع قیامت را مطرح می‌سازد: «ویقول الانسان اذا ما مت لسوف اخرج حیا: و انسان می‌گوید آیا وقتی بمیرم، واقعاً زنده [از قبر] بیرون آورده می‌شوم» (مریم: ۶۶). کسانی که در قیامت تردید دارند، نمی‌توانند بپذیرند که مردگان بی‌جان در عالم دیگر دوباره زنده شوند و در صحنه قیامت حاضر شوند. بنابراین شبهه در قیامت، مبتنی بر عدم امکان زنده شدن است.

قرآن برای پاسخ به این شبهه مبنای شبهه را رد می‌کند: «ا و لایذکر الانسان انا خلقناه من قبل و لم یک شیئاً: آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را قبلاً آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است» (مریم: ۶۶). استدلال قرآن برای رد مبنای شبهه، به این صورت است:

(۱) این چیزی که در قیامت زنده می‌شود، قبل از مرگ یک چیزی بوده است و در قیامت فقط زنده می‌شود.

(۲) زنده کردن چیزی که اصلاً وجود نداشته، بسیار دشوارتر از زنده کردن چیزی است که بوده و فقط احیا می‌خواهد.

(۳) خلقت انسان در اصل پدید آمدن از عدم است که اتفاق افتاده است. اگر خلقت از عدم اتفاق افتاده، به طریق اولی احیای شیء بی‌جان راحت‌تر و ممکن خواهد بود.

نتیجه: زنده شدن دوباره مرده در قیامت هم ممکن خواهد بود.

۱۰. پاسخ به شبیهه با نقد و رد لوازم شبیهه

بعضی وقت‌ها شبیهه ناشی از عدم توجه به لوازم ادعاست و اگر شبیهه‌کننده به لوازم ادعایش آگاه شود، دست از شبیهه می‌کشد. یا اینکه شرایط و موقعیت شبیهه‌کننده و مخاطب به گونه‌ای است که نقد و رد لوازم شبیهه برای محکوم‌ساختن شبیهه‌گر مؤثرتر از رد مبنای شبیهه می‌باشد. در این گونه موارد پاسخ‌گو باید از طریق رد لوازم شبیهه، اصل شبیهه را رد کند. نمونه این نوع مواجهه با شبیهه در آیات و روایات فراوان است؛ از جمله قرآن در سوره مائده با طرح ادعای یهودیان و مسیحیان به همین روش به رد آنان می‌پردازد: «و قالت اليهود و النصاری نحن أبناء الله و أحباؤه قل فلم یعذبکم بذنوبکم بل أنتم بشر ممن خلق: و یهودیان و ترسایان گفتند «ما پسران خدا و دوستان او هستیم» بگو «پس چرا شما را به [کیفر] گناهاتان عذاب می‌کند؟ [نه] بلکه شما [هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است» (مائده: ۱۸). خداوند در اینجا یهودیان و مسیحیان را به لازمه سخنشان توجه می‌دهد و بر فرض پذیرش اینکه ممکن است کسی پسر یا دوست خدا باشد، سخن می‌گوید و می‌فرماید اگر شما پسران و دوستان خدا بودید، نباید به واسطه گناهاتان عذاب می‌شدید؛ در حالی که خداوند شما را عذاب می‌کند؛ پس معلوم می‌شود شما پسر یا دوست خدا نیستید (برای دیدن نمونه‌های دیگری از آیات، ر.ک: بقره: ۹۴ و ۲۵۸/اعراف: ۱۹۴).

۲۴
شبیهه

سال اول / شماره اول / تابستان ۱۴۰۱

نمونه دیگر از این روش، پاسخ پیامبر اکرم ﷺ به شبیهه یهودیان در مورد تغییر قبله است. یهودیان به رسول خدا ﷺ گفتند: «ای محمد، آیا پروردگار تو پشیمان شده که در گذشته به تو امر می‌نمود به سوی بیت‌المقدس نماز بخوانی و حال تو را به سوی کعبه منتقل کرده است». لازمه سخن یهودیان این بود که هر حکم متفاوتی که از سوی خداوند صادر شود، نشان از پشیمانی خدا از حکم ماقبل باشد. پیامبر ﷺ با ذکر مثال‌هایی اشتباه‌بودن این لازمه را نشان دادند و به این طریق شبیهه آنان را رد نمودند؛ از جمله رسول خدا ﷺ فرمودند: «ای یهود، به من بگویید مگر نه این است که خداوند کسی را بیمار کرده و پس از آن سلامت می‌بخشد؟

آیا او از بیمار کردن پشیمان شده؟ مگر نه این است که او زنده می‌کند و می‌میراند؟ مگر نه این است که شب را به دنبال روز و روز را به دنبال شب می‌آورد؟ آیا در هر یک از این موارد پشیمان شده؟» یهودیان گفتند: نه. آن حضرت علیه السلام پس از چند مثال دیگر فرمودند: «همچنین است که خدا شما را در زمانی به چیزی فرا می‌خواند، به جهت مصلحتی که در آن است و در زمانی دیگر به چیز دیگری امر می‌کند، به جهت مصلحت دیگری که در آن چیز می‌داند، اگر شما از هر دو اطاعت نمودید، مستحق ثواب خواهید بود» (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۴-۴۵).

۱۱. پاسخ به شبهه با نشان دادن تضاد در عقاید شبهه‌کننده

۲۵



روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی

ناسازگاری و دوگانگی در اجزای عقاید یک فرد، دلیل سستی و ضعف در عقاید اوست. اگر متکلم بتواند با واکاوی عقاید شبهه‌کننده، تضاد و دوگانگی در عقاید او را نشان دهد و ناسازگاری التزام او را به مفاد شبهه با دیگر عقاید او بنمایاند، شبهه‌کننده از موضع و شبهه خود عقب خواهد نشست و نادرستی ادعای او آشکار خواهد شد. نمونه بارز این روش، مناظره امام رضا علیه السلام با رأس‌الجالات از سران یهودیان است. در بخشی از این مناظره امام علیه السلام با چند پرسش از وی درباره نبوت حضرت موسی علیه السلام و دلایل آنها بر این نبوت، به روشنی تضاد و دوگانگی اعتقاد آنان را برملا فرمودند؛ مثلاً وی از یک طرف ادعا می‌کرد تنها نبوت کسی که معجزات حضرت موسی علیه السلام بیاورد، تصدیق خواهد کرد و از سوی دیگر نبوت پیامبران قبل از حضرت موسی علیه السلام را می‌پذیرفت؛ در حالی که معجزات آنها متفاوت بود. یا از یک سو ادعا می‌کرد باید معجزات حضرت عیسی علیه السلام را ببیند تا ایمان بیاورد و از سوی دیگر بدون دیدن معجزات حضرت موسی علیه السلام نبوت او را قبول داشت و مواردی از این دست (ر.ک: شیخ صدوق،

۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۴۹).

۱۲. پاسخ به شبهه با روش ارائه مثال

ارائه مثال، یکی از روش‌ها و قالب‌های مؤثر و متداول در انتقال مفاهیم است. این روش در پاسخ به شبهات اعتقادی نیز کارایی دارد؛ به‌خصوص برای پاسخ به شبهات افرادی که ظرفیت و توانایی دریافت و فهم مباحث علمی سنگین را ندارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. متکلم می‌تواند از چیزهای ملموس در زندگی افراد برای رفع ابهام و شبهه در مسائل اعتقادی استفاده کند. در قرآن و روایات برای تفهیم معارف و همچنین پاسخ به مخالفان از مثال و قصه به نحو گسترده استفاده شده است؛ از جمله قرآن در پاسخ به شبهه مسیحیان از مثال استفاده می‌کند: «ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون» (آل عمران: ۵۹). یا در مقام پاسخ به شبهه در معاد از همین روش استفاده می‌کند (یس: ۷۷-۸۲). نمونه روشن دیگر از این روش، روایتی است که شیخ صدوق در کتاب التوحید نقل کرده است: «هشام بن حکم می‌گوید: ابوشاکر دیصانی به من گفت: در قرآن آیه‌ای هست که اعتقاد ما را قوت می‌بخشد. گفتم: کدام آیه است؟ گفت: "هو الذی فی السماء اله و فی الارض اله" (زخرف: ۸۴). منظور ابوشاکر آن است که این آیه دلالت بر تعدد خداوند می‌کند. من نمی‌دانستم چه جوابی به او بدهم، پس به حج مشرف شدم و کلام ابوشاکر را به امام صادق علیه السلام گفتم. ایشان فرمود: "این سخن یک کافر خبیث است. وقتی به سویش بازگشتی به او بگو: اسم تو در کوفه چیست؟ خواهد گفت: فلانی. سپس بگو: اسم تو در بصره چیست؟ باز هم خواهد گفت: فلانی. تو نیز بگو: پس خدای ما نیز چنین است، در آسمان خداست، در زمین خداست، در دریا خداست و در همه جا خداست"» (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۱۳۳). در این روایت امام علیه السلام با استفاده از تمثیل جواب قانع‌کننده‌ای به شبهه‌گر ارائه نمودند.

شهر

سال اول / شماره اول / تابستان ۱۴۰۱

نتیجه

مقصود از پاسخ به شبهات اعتقادی عبارت‌اند از: جلوگیری از تزلزل آموزه‌های اعتقادی اسلام؛

برطرف کردن موانع پذیرش عقاید درست از اذهان مردم؛ بیان ابعاد جدیدی از تعالیم دینی؛ طرح استدلال‌های جدید و تقویت ذهنی متکلم و توانمندشدن برای پاسخ به شبهات مشابه. شخص پاسخ‌گو برای پاسخ به شبهه باید شرایطی را مد نظر قرار دهد که برخی از آنها عبارت‌اند از: شناخت عقاید دینی؛ تخصص در حیطه موضوع مورد شبهه؛ تسلط بر محتوای شبهه؛ تسلط بر روش‌های پاسخ‌گویی؛ داشتن مهارت مناظره و گفت‌وگو. افزون بر این در پاسخ به شبهه باید به مخاطب نیز توجه داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: مراعات سطح مخاطب؛ احترام به مخاطب؛ پرهیز از اهانت به مقدسات طرف مقابل. در این میان روش پاسخ به شبهه نیز دارای اقسامی است که عبارت‌اند از: پاسخ به شبهه بر اساس مبانی شبهه‌کننده یا نقاط مشترک؛ پاسخ به شبهه با روش تبیین واژه‌ها؛ پاسخ به شبهه با روش طرح سؤال؛ پاسخ به شبهه با روش پاسخ نقضی؛ پاسخ به شبهه با روش پاسخ حلی؛ پاسخ به شبهه با طرح احتمال؛ پاسخ به شبهه با محسوس‌سازی معقولات؛ پاسخ به شبهه با روش اقرارگرفتن؛ پاسخ به شبهه با نقد و رد مبنای شبهه؛ پاسخ به شبهه با نقد و رد لوازم شبهه؛ پاسخ به شبهه با نشان‌دادن تضاد در عقاید شبهه‌کننده، پاسخ به شبهه با روش ارائه مثال.

منابع و مأخذ

* قرآن كريم.

** نهج البلاغه.

۱. ابن اثير؛ **النهايه في غريب الحديث**؛ طاهر احمد الزاوي و محمود محمد الطناحي؛ قم: مؤسسه اسماعيليان للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۳۶۴.
۲. ابن شهر آشوب مازندارني؛ **مناقب آل ابي طالب**؛ قم: مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن فارس، ابي الحسين احمد؛ **معجم مقاييس اللغة**؛ مصر: مطبعة الباي الحلبي و اولاده، ۱۳۹۱ق.
۴. ابن منظور؛ **لسان العرب**؛ قم: نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
۵. حراني، حسن بن شعبه؛ **تحف العقول**؛ قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ق.
۶. شيخ صدوق، ابي جعفر محمد بن علي؛ **التوحيد**؛ هاشم حسيني؛ قم: جامعه مدرسين، ۱۳۹۸ق.
۷. -----؛ **الخصال**؛ قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ق.
۸. -----؛ **علل الشرايع**؛ قم: كتابفروشي داوري، ۱۳۸۵.
۹. -----؛ **عيون أخبار الرضا**؛ مهدي لاجوردی؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۰. -----؛ **معانی الاخبار**؛ تصحيح على اكبر غفاري؛ قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۳۷۴.
۱۱. طبرسي، ابو منصور احمد بن علي؛ **الاحتجاج**؛ مشهد: نشر مرتضى، ۱۴۰۳ق.
۱۲. الطريحي، فخر الدين؛ **مجمع البحرين**؛ السيد احمد الحسيني؛ قم: مكتب النشر الثقافة الاسلامية، ۱۴۰۸ق.
۱۳. الفيومي، احمد بن محمد؛ **المصباح المنير**؛ بيروت: دار القلم، ۲۰۲۰م.
۱۴. قمی، علی بن ابراهيم؛ **تفسير القمي**؛ قم: مؤسسه دارالكتاب، ۱۴۰۴ق.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۶. کشی، محمد بن عمر؛ رجال الکشی؛ مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۱۷. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۸. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: مرکز الکتب لترجمه و النشر، ۱۴۰۲ق.
۱۹. مفید، محمد بن محمد؛ الارشاد؛ قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، الف.
۲۰. -----؛ تصحیح اعتقادات الامامیه؛ قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق، ب.